

پگر: آمریکا در برابر ایران در یک بن‌بست راهبردی قرار گرفته است؛ سنا خواهان عقب نشینی و اعلام پیروزی؛ چین دست از حمایت ایران بر نمی‌دارد؛ ایران تسلط بر تنگه هرمزگان از دست نمی‌دهد....



ز نگاه پروفیسور پگر، کارشناس سیاست بین الملل در دانشگاه کلن، نه نشانه‌ای از آغاز یک رویارویی نظامی گسترده دیده می‌شود و نه تحریم‌های تازه می‌توانند به‌سادگی ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند. به باور او، نقش چین مهم‌ترین عاملی است که راهبرد فشار حداکثری آمریکا را با مشکل روبه‌رو کرده است. در چنین شرایطی، برای دونالد ترامپ شاید مهم‌تر از دستیابی به یک پیروزی واقعی، این باشد که خروج از بحران را به‌عنوان یک موفقیت سیاسی معرفی کند.

پروفیسور پگر در مصاحبه با رسانه‌ها، احتمال گسترش درگیری به یک جنگ بزرگ و فراگیر را پایین می‌داند. به گفته او، یکی از دلایل اصلی این ارزیابی، فشار سنگینی است که هم‌اکنون بر نیروهای مسلح آمریکا وارد می‌شود. نیروی دریایی و نیروی هوایی این کشور در بسیاری از مناطق درگیر مأموریت‌های گسترده هستند و در درون ساختار نظامی نیز هشدارهایی به وزارت دفاع آمریکا داده شده است که نباید فشار بیشتری بر این نیروها وارد شود.

از این رو، به باور پگر، گزینه یک رویارویی نظامی گسترده عملاً با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است. در عین حال، او نسبت به موفقیت فشار اقتصادی شدید بر ایران نیز تردید دارد. حتی تحریم‌هایی که از آنها به‌عنوان یک «روز سرنوشت‌ساز اقتصادی» یاد می‌شود، از نگاه او بعید است بتوانند ایران را به امتیازدهی تعیین‌کننده وادار کنند.

چین، تفاوت اساسی با گذشته

پگر مهم‌ترین تفاوت وضعیت امروز با سال‌های گذشته را در نقش چین می‌بیند. او وضعیت کنونی را با دوره‌ای مقایسه می‌کند که از حدود سال ۲۰۱۲ فشارهای اقتصادی گسترده‌ای علیه ایران اعمال شد.

در آن زمان، بخش بزرگی از جامعه جهانی موضعی هماهنگ‌تر در قبال ایران داشت و همین فشار مشترک در نهایت زمینه را برای مذاکرات هسته‌ای و دستیابی به توافق فراهم کرد.

اما امروز شرایط به‌طور اساسی تغییر کرده است. چین به‌مراتب قاطع‌تر از گذشته از ایران حمایت می‌کند و همین موضوع مانع از آن می‌شود که آمریکا بتواند تهران را به‌طور کامل از نظر اقتصادی منزوی کند.

به باور پگر، تا زمانی که پکن در این موضع باقی بماند، سیاست فشار حداکثری آمریکا شانس اندکی برای رسیدن به اهداف اصلی خود خواهد داشت. تلاش برای قطع کامل ارتباط اقتصادی ایران با بازارهای جهانی نیز در چنین شرایطی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو می‌شود.

به این ترتیب، چین به یکی از عوامل تعیین‌کننده در موازنه کنونی تبدیل شده است. بدون تغییر در سیاست پکن، آمریکا نه از راه فشار اقتصادی و نه از مسیر انزوای سیاسی می‌تواند همان تأثیری را ایجاد کند که در دوره‌های گذشته امکان‌پذیر بود.

واشنگتن با کمبود گزینه‌های واقعی روبه‌رو است

از نگاه پگر، ایالات متحده اکنون در یک بن‌بست راهبردی قرار گرفته است. از یک سو، تشدید نظامی گسترده به دلیل فشار موجود بر نیروهای مسلح پر هزینه و خطرناک است. از سوی دیگر، سیاست تحریم و انزوای اقتصادی نیز تا زمانی که چین از ایران پشتیبانی کند، اثرگذاری محدودی خواهد داشت.

در نتیجه، واشنگتن عملاً فاقد گزینه‌ای روشن است که بتواند یک پیروزی سیاسی قطعی برای آمریکا به همراه داشته باشد.

در چنین وضعیتی، مسئله اصلی برای ترامپ شاید دیگر دستیابی کامل به همه اهداف اعلام‌شده نباشد، بلکه این باشد که چگونه پایان حضور یا کاهش درگیری را به‌عنوان یک موفقیت در داخل آمریکا معرفی کند.

سنا می‌تواند راه خروجی برای ترامپ فراهم کند

به گفته پگر، از درون سنای آمریکا نیز پیشنهادی مطرح شده که می‌تواند برای ترامپ یک مسیر آبرومندانه برای خروج از بحران فراهم کند.

بر اساس این سناریو، رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند در مقطعی اعلام کند که کشورش به اهداف اصلی خود رسیده است. سپس می‌تواند بر این نکته تأکید کند که آمریکا به دلیل افزایش تولید انرژی داخلی، دیگر به نفت منطقه وابستگی گذشته را ندارد.

بر این اساس، واشنگتن می‌تواند استدلال کند که خاورمیانه دیگر برای آمریکا همان اهمیت راهبردی چند دهه گذشته را ندارد. چنین روایتی به دولت آمریکا اجازه می‌دهد کاهش حضور نظامی را نه به‌عنوان عقب‌نشینی، بلکه به‌عنوان یک تصمیم حساب‌شده و آگاهانه معرفی کند.

در عین حال، این اقدام می‌تواند فشار بر نیروی دریایی و نیروی هوایی آمریکا را نیز کاهش دهد و ظرفیت‌های نظامی این کشور را برای مناطق دیگر آزاد کند.

پگر این سناریو را نسبتاً محتمل می‌داند. از نگاه او، ترامپ می‌تواند در نهایت پایان مأموریت را اعلام کند، از تحقق اهداف آمریکا سخن بگوید و سپس بخشی از نیروها را از منطقه خارج کند.

ایران بر راهبرد ضربه و پاسخ متقابل تکیه دارد

در سوی دیگر، پِگر معتقد است ایران حاضر نیست از مواضع راهبردی مهم خود بهسادگی عقب‌نشینی کند. تهران به گفته او، راهبردی مبتنی بر ضربه و پاسخ متقابل را دنبال می‌کند.

در این میان، تنگه هرمز اهمیت ویژه‌ای دارد. این آبراه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال نفت و گاز در جهان است و برای ایران ارزش راهبردی بسیار بالایی دارد.

به باور پِگر، ایران تحت هیچ شرایطی حاضر نیست توان اثرگذاری بر این مسیر دریایی را از دست بدهد.

در نتیجه، خطر درگیری‌های محدود و رفت‌وبرگشتی همچنان وجود خواهد داشت، اما این درگیری‌ها لزوماً به معنای آغاز یک جنگ بزرگ و تمام‌عیار نیستند.

بحرانی بدون پیروز روشن

در مجموع، پِگر تصویری از بحرانی ارائه می‌دهد که در آن آمریکا همچنان از قدرت اقتصادی و نظامی قابل‌توجهی برخوردار است، اما این قدرت الزاماً به نتیجه سیاسی مطلوب تبدیل نمی‌شود.

به‌ویژه حمایت چین از ایران باعث شده است سیاست تحریم‌های آمریکا نتواند همان کارایی گذشته را داشته باشد. در کنار آن، فشار سنگین بر نیروهای مسلح آمریکا نیز مانعی جدی در برابر گسترش عملیات نظامی است.

در چنین شرایطی، شاید پرسش اصلی برای واشنگتن دیگر این نباشد که چگونه می‌تواند ایران را به‌طور کامل شکست دهد، بلکه این باشد که چگونه می‌تواند از بحران خارج شود و این خروج را در افکار عمومی به‌عنوان یک پیروزی معرفی کند.

از نگاه پِگر، عقب‌نشینی با استناد به تحقق اهداف و استقلال انرژی آمریکا می‌تواند یکی از همین راه‌ها باشد. چنین سناریویی به دولت ترامپ امکان می‌دهد حضور نظامی خود را کاهش دهد، بدون آنکه ناچار باشد علناً از شکست سخن بگوید.

در نهایت، چین مهم‌ترین عامل در این محاسبه باقی می‌ماند. تا زمانی که پکن به حمایت سیاسی و اقتصادی از ایران ادامه دهد، راهبرد فشار حداکثری آمریکا با خطر جدی ناکامی روبرو خواهد بود. و چین به گفته وی دست از حمایت ایران برنمی‌دارد.